



تظاهرات انجمن دانشجویان مسلمان اروپا و آمریکا در اعتراض به کشتار مجاهدین خلق

خلاصه‌ای از قطعنامه‌های راه‌پیمائی

در قطعنامه‌ها با اشاره به اوضاع جاری کشور و بخصوص وقایع اخیر، ضمن تأیید مفاد قطعنامه راه‌پیمائی جمعیت مادران مسلمان در تهران، به عنوان تنها راه نجات خواهان خلق ید از حزب فاشیستی - ارتجاعی حاکم شده‌اند. حاکمیتی که همچون اختاپوسی منفور با به انحسار کشیدن تمامی ارکان جامعه و همچنین جنایات و کشتارهای سبانه‌ای که تاکنون بوسیله‌ی ایادی چماقدار و مسلح خود مرتکب شده لطمات

جبران ناپذیر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر جامعه وارد آورده‌است. در پایان قطعنامه‌ها خواستار قطع آتش‌افروزی‌های ارتجاعی و محاکمه‌ی قاتلین شناخته شده شهدا و عاملین و آمرین شکنجه‌ها شده و نسبت به ضرب و جرح و کشتار خواهران مجاهد به تمامی محاکم مترقی بین‌المللی و سازمان‌های زنان بین‌المللی اعلام دادخواهی و رسیدگی کرده‌اند.

همکاری مرتجعین انجمن به اصطلاح اسلامی با پلیس فاشیست آمریکا

در خاتمه‌ی راه‌پیمائی در آمریکا ۲ تن از نمایندگان انجمن دانشجویان مسلمان با در دست داشتن قطعنامه‌ی تظاهرات و همچنین متن تلگراف‌های حمایت نیروهای مترقی و ضدامپریالیست به طرف نمایندگی ایران واقع در سفارت الجزایر رفته و خواستار تحویل آنها به مقامات مسئول نمایندگی و مخایره به ایران شدند. اما به محض ورود نمایندگان دانشجویان، محافظین مسلح نمایندگی به دستور مسئولین خود به ضرب

و شتم دانشجویان پرداخته و سپر آن‌ها را تحویل پلیس فاشیست آمریکا می‌دهند. پلیس آمریکا نیز وحشیانه با باطوم‌های کشیده به آنان حمله می‌کنند. جالب توجه است که اعضاء انجمن‌های با اصطلاح اسلامی همراه با اعضای سفارت عده‌ای را برای عکسبرداری و شناسائی شرکت کنندگان در مراسم بسیج کرده بودند که کاملاً اعمال ساواک و ایادی رژیم منفور شاه را تداعی می‌نمود.

حمایت‌های گسترده‌ی بین‌المللی

نیروها و شخصیت‌های مترقی و ضدامپریالیست بسیاری در کشورهای مختلف با دادن پیام و یا تأیید قطعنامه‌های راه‌پیمائی انجمن‌های دانشجویان مسلمان در اروپا و آمریکا و هم چنین با ارسال تلگراف‌های اعتراضی به مقامات ایرانی از خواسته‌های عادلانه‌ی

راه‌پیمایان حمایت کردند. در شماره‌های گذشته و نیز همین شماره بخش‌هایی از این حمایت گسترده‌ی بین‌المللی را منعکس کرده‌ایم. و در اینجا بدلیل کمبود جا صرفاً به ذکر اسامی برخی از آن سازمانها و گروه‌ها و شخصیت‌ها اکتفا می‌کنیم:

- انقلابی (ار - سی - ت)
- گروه کمونیست انقلابی
- (ار - ث - ژ)
- انجمن دانشجویان عراقی
- ضد رژیم بعث عراق در انگلستان
- اتحادیه ملی خبرنگاران
- اتحادیه عمومی کارگران مهندسی
- جمعیت زنان ضد - امپریالیست

- انگلستان:
- شاخه‌ی سیاسی ارتش جمهوریخواه ایرلند (شین - فین)
- جنبش چپ انقلابی شیلی در انگلستان (میر)
- طرفداران اتحادیه‌ی کارگران گایانا در انگلستان
- فرد هالیدی نویسنده‌ی مترقی انگلیسی
- تندنیسی کمونیست

بدنبال افزایش موج تهاجمات و کشتار سراسری اعضاء و هواداران مجاهدین خلق از ابتدای سال جاری یعنی سالی که توسط سرمدمداران حاکم "سال قانون"!! نامیده شده است. و بدنبال حملات چماقداران و حامیان مسلح آنها که در فاصله‌ی یک ماه اخیر تاکنون ۱۴ شهید از مجاهدین برجای گذارده‌است و بخصوص بعد از حملات چماقداران حزب حاکم به مردم آزاده‌ی قائم‌شهر که منجر به شهادت دو ملیشایی قهرمان فاطمی رحیمی و سمیه نقره‌خواجا گردید موج اعتراضات عمومی سراسر ایران را فرا گرفت. تظاهرات با شکوه تهران که به ابتکار "جمعیت مادران مسلمان" در تاریخ دوشنبه ۷/ اردیبهشت / ۶۰ بدون اعلام رسمی برگزار شد نقطه‌ی اوج این اعتراضات حق طلبانه بود.

در حمایت از این راه‌پیمائی در تاریخ چهارشنبه ۹/ اردیبهشت برابر با ۲۹ آوریل از طرف انجمن‌های دانشجویان مسلمان در اروپا و آمریکا به طور همزمان تظاهرات وسیعی در شهرهای واشنگتن (شرق آمریکا)، لس‌آنجلس (غرب آمریکا)، بن ، هامبورگ و برلن غربی (در آلمان غربی)، لندن، پاریس و استکهلم (سوئد) برگزار شد.

این تظاهرات به دعوت و با شرکت هواداران مجاهدین خلق و به همراهی سایر دانشجویان مبارز عموماً از مرکز شهرها آغاز شده و با یک راه‌پیمائی نامقابل نمایندگی‌های ایران در شهرهای مزبور ادامه یافت.

در طول راه‌پیمائی دانشجویان با حمل پلاکاردها و دادن شعار، خواسته‌های عادلانه‌ی خود را مبنی بر اعتراض به کشتار مجاهدین توسط عوامل مسلح ارتجاع در سراسر ایران و به ویژه در نواحی شمالی کشور و نیز پشتیبانی از راه‌پیمائی شکوهمند "جمعیت مادران مسلمان" در روز دوشنبه در تهران به گوش جهانیان رسانده و اعمال فاشیستی حزب ارتجاعی حاکم را محکوم نمودند. این تظاهرات با قرائت قطعنامه در مقابل نمایندگی‌های ایران و تسلیم قطعنامه‌ها به نمایندگان دولت ایران در کشورهای فوق الذکر پایان یافت.

اعتراض ۵۸ نفر از قضات، وکلا و اساتید حقوق به کشتار جوانان به جرم فروش نشریه و بحث‌های سیاسی

تکرار این حوادث، به دولت که مسئول حفظ نظم و اجرای قانون و حفظ جان اشخاص است هشدار می‌دهیم که وظیفه‌ی اصلی خود را فدای گروه‌گرایی‌ها نسازد و ضمن جلوگیری قاطع از متجاوزان به جان و آزادی مردم با روحیه‌ی تحمل و ارشاد با مسائل عقیدتی و سیاسی برخورد کند و طرح بعضی مسائل جزئی بهانه‌ی اقداماتی چنین خشن قرار نگیرد. از همه‌ی گروه‌های سیاسی نیز انتظار و تقاضا داریم که به خاطر مصالح ملی همه‌ی توان خود را در پرهیز از برخوردهای خشونت‌آمیز در آینده بکار گیرند. مباد که جنگ با متجاوزان و جهان - خواران تغییر جهت دهد و آتش در خانه افتد.

اسدکتر ناصر کاتوزیان
استاد دانشگاه و وکیل دادگستری
۲- دکتر جواد شیخ‌الاسلامی
استاد دانشگاه ۳- رضا خاکسار
وکیل دادگستری ۴- سید نظام‌میر محمدی وکیل دادگستری ۵- نادر رفیعی‌نژاد وکیل دادگستری ۶- دکتر حسنعلی درودیان استاد دانشگاه ۷- محمد نیک نیا وکیل دادگستری ۸- دکتر سید عزت‌الله عراقی - استاد بقیه در صفحه ۲۴

بنام خدا
در این لحظه‌های حساس و بحرانی که ملت قهرمان و مسلمان ایران در حال جنگ با متجاوزان خارجی است و ضد انقلابیون و جهان‌خواران از گوشه و کنار جهان در صدند تا انقلاب را به انحراف کشانند و به آن صدمه بزنند، و در زمانی که مردم ما باید همه‌ی توان خود را در راه مبارزه‌ی با دشمنان مشترک خود بکار گیرند،

و سرانجام در طلبه‌ی سالی که "سال حاکمیت و اجرای قانون" نامیده شده‌است، هرچند روز یک بار شنیده می‌شود که در گوشه‌ای از کشور جوانان و نوجوانان ما به بهانه‌های نامعقول، از قبیل روزنامه فروختن و بحث‌های سیاسی، قربانی درگیری‌های خیابانی می‌شوند و با گلوله‌هایی که باید سینه‌ی دشمنان و قوای متجاوز را بشکافد به خاک و خون می‌غلطند. گسترش این گونه برخوردها در بندرعباس و قزوین و تهران و مازندران این نگرانی را بوجود می‌آورد که اوج برخوردها به جنگ‌های خیابانی و داخلی انجامد و از درون ما را زبون و ضربه‌پذیر سازد. بنابراین ما، ضمن ابراز نگرانی و تأسف عمیق خود از

- پروفسور رابرت براونینگ از دانشگاه لندن
- دکتر جان کلی از مدرسه اقتصاد لندن
- هواداران سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران در انگلستان
- آلمان:
- نامه‌ای با امضای ۱۵ گروه و شخصیت سیاسی آلمان
- امریکا:
- سربازان سابق (در جنگ ویتنام) بر علیه جنگ
- طرفداران جنبش ملی لبنان در اوکلاههم
- کمیته‌ی همبستگی با نیکاراگوئه
- هواداران انقلاب فلسطین در بوستن نگرانس
- کمیته همبستگی با السالوادور - ایواسیتی
- اتحادیه‌ی سوسیالیست - های انقلابی در شهر دینرویت
- کمیته‌ی متحد همبستگی

- با السالوادور
- رئیس و معاون کمیته‌ی دانشجویان ضد میلیتاریزم آمریکا
- رئیس دیپارتمان شیمی دانشگاه لینکلن
- رئیس کمیته‌های همبستگی با السالوادور در ناحیه غرب میانه، آمریکا، رورن مایکل کالونس
- گروه وکلای ملی حوزه ایواسیتی
- فرانسه
- حزب سوسیالیست فرانسه (استراسبورگ)
- اتحادیه‌ی دانشجویان الجزایری
- مرکز تحقیقات ضدامپریالیستی
- دبیرکل روابط خارجی حزب سوسیالیست فرانسه
- کانون وکلا
- هواداران سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران در فرانسه



به یاد "وارطان"

"وارطان" سخن نگفت...
"وارطان" ستاره بود
بگدم در این ظلام
بدرخشید و جست و رفت...
(احمد شاملو)

هجدهم اردیبهشت سالروز شهادت مبارز جوان ارمنی "وارطان سالاحانیان" در زیر شکنجه‌های دژخیمان شاه خائن و نیز روز "شهادی ارمنی" است. این روز را، با گرمی داشت خاطره‌ی همهی شهدای ارمنی به رزمندگان راه آزادی و به ریزه هموطنان زحمتکش ارمنی تبریک و تهنیت می‌گوئیم.

وارطان به اتفاق هم‌رزم شهید دیگرش محمود کوچک شوشتری در اواخر سال سیاه کودتا، به هنگام پخش نشریه در تهران دستگیر شدند. وارطان علی‌رغم ارتباطش با حزب توده و علی‌رغم خیانت پیشگی سردمداران این حزب مردم فروش، یک انقلابی

ومبارز صدیق بود. بهار سال ۲۳، به هنگام شکفتن "ارغوان"ها، وارطان و محمود در زیر شکنجه‌های دژخیمان رژیم شاه می‌شکفتند. روز ۱۲ اردیبهشت محمود در زیر شکنجه به شهادت رسید. از این پس جلادان شاه فشار بیشتری را بر وارطان وارد آوردند تا از طریق او به اطلاعات نازهای دست یابند. اما "وارطان سخن نگفت..."

چند روز بعد پیکر مثله شده‌اش را به جاجرود انداختند تا حتی جنازه‌اش نیز به آغوش خلق باز نگردد. اما جنازه‌اش را مردم از آب گرفتند و در سلیمانیه دفن کردند.

۴ سال بعد یعنی دوم اردیبهشت سال ۳۷ نیز یکی دیگر از رزمندگان ارمنی به نام "آرمن آوانسیان" به وسیله رژیم شاه تیرباران شد. از آن پس، در متن مبارزات خلق و در آستان آزادی و استقلال ایران، هموطنان ارمنی ما نیز دهها

شهید تقدیم کرده‌اند. از میان این عزیزان، به غیر از "وارطان" که سبیل رازداری و مقاومت در زیر شکنجه است، از شهدایی چون "کلیا زارخاریان"، جهانگیر باعدانیان، آرسن هوانسیان، خورن قراخانیان، آودیس مسروبیان، اوهان یاریجانیان، قازار سرکیسیان، مائیس سرکیسیان، آرامائیس آرزومانیان، ساموئل هوانسیان و آراز پطروسیان، مارتیک قازاریان، وارطان آراکلیان، هوسپ ماروتیان، الواند ملیکیان و وارطان آبراهامیان می‌توان نام برد.

با درود فراوان به روان پاک این شهیدان خلق، امیدواریم که خون آنان در فردائی بهتر به ثمر نشیند. فردائی که با مبارزه‌ی یکپارچه ضد امپریالیستی - ضد ارتجاعی خلق برپا می‌شود و زنجیر هر تبعیض ناروای اجتماعی را از پای کلیه نیروهای خلق و منجمله هموطنان زحمتکش ارمنی ما می‌گشاید

به امید چنان روزی

توضیحات روابط مطبوعاتی مجاهدین خلق ایران در باره برخی دروغ‌پردازیها و اتهامات بی‌شمارانه مرتجعین در رابطه با حوادث اخیر

بنام خدا

و بنام خلق قهرمان ایران

روابط مطبوعاتی مجاهدین خلق ایران ضمن محکوم ساختن تمامی دروغ‌پردازیهای شرم‌آوری که در رابطه با حوادث اخیر و بر علیه مجاهدین خلق از سوی دستگاه‌های تبلیغاتی تیول انحصارطلبان به راه افتاده است، توجه هموطنان عزیز را به موارد ذیل جلب می‌نماید:

۱- به دنبال موج اعتراض مسالمت آمیز و سراسری مردم بر علیه گشتار مجاهدین خلق و سیاست‌های سرکوبگرانه‌ی انحصارطلبان و به خصوص پس از راه‌پیمائی عظیم مردم تهران، رادیو تلویزیون، روزنامه‌ی ارگان حزب حاکم و جراید کیهان و اطلاعات که در قبضه و تیول انحصارطلبان است به دست و پا افتاده‌اند و مشترکاً یک موج تبلیغاتی آمیخته به انواع و اقسام جعلی دروغ و تحریف را بر علیه مجاهدین خلق به راه انداخته‌اند که از هر جهت تداعی‌کننده و حتی در مواردی مایه‌ی روسفیدی

تبلیغات شاهانه بر علیه انقلابیون است. و به همین دلیل روابط مطبوعاتی مجاهدین خلق ایران هیچ‌گونه پاسخ‌گوئی به این باطیل و اکاذیب را لازم نمی‌بیند چرا که این قبیل نیرنگ‌ها به خودی خود نزد ملت ایران افشاء و محکوم است.

۲- در شمار توطئه‌ی تبلیغاتی یاد شده روزنامه‌ی ارگان حزب حاکم مورخ ۶۰/۲/۱۰ گوشیده است تا مجاهدین خلق را مسئول قتل پاسداری قلمداد کند که روز چهارشنبه ۶۰/۲/۹ در بندر عباس ترور شده است، تا بدین وسیله بر جنایات و گشتار ایادی چماق‌دار حزب معلوم الحال در نقاط مختلف کشور

سرپوش بگذارد. و یا برای جنایات آینده‌ی آنان زمینه‌سازی کند. مجاهدین خلق این بی‌شمارانه را قویا تکذیب و محکوم می‌نمایند.

۳- هم‌چنین تلویزیون در برنامه‌ی شنبه شب مورخ ۶۰/۲/۱۲ ادعا نمود که در رابطه با هواداران مجاهدین خلق ایران درگیری‌هایی در خرم‌آباد اتفاق افتاده است. مجاهدین خلق بر حسب تحقیق بعمل آمده خبر مزبور را نیز به کلی جعلی و عاری از حقیقت اعلام می‌نمایند.

روابط مطبوعاتی

مجاهدین خلق ایران

۱۳/ اردیبهشت ماه / ۶۰

درباره روشهای...

بقیه از صفحه ۲۶
"ادب" کردن مجاهدین در زندان‌ها و در خیابان‌ها...
معیار صحت مطالب فوق می‌تواند این آزمایش باشد که حزب توده از متحدان ضد امپریالیست! و حزب و دولت استدعا نماید که لیستی از این ۱۲۰ میلیارد ناقابل (که البته رقم واقعی خیلی بیشتر است)

سالروز شهادت خسرو روزبه و کشتار زندانیان سیاسی

خائن "حزب توده، هیچ اقدامی در مقابل کودتاگران نکرد و به این ترتیب با به ثمر رسیدن کودتا، رژیم وابسته‌ی شاه اسارت و کشتار مبارزین را آغاز نمود. "سازمان نظامی" که به دلایل مختلف و منجمله نحوه‌ی عضوگیری و شکل تشکیلاتی، از وضع بهتری نسبت به بقیه‌ی ارگان‌های حزب برخوردار بود، توانست تا مدتی لو نرفته باقی بماند. اما یک سال بعد یعنی در مرداد ۳۳ با دستگیری یکی از اعضای این سازمان، دفترهای رمز تشکیلات لو رفت و یورش مزدوران کودتا به سازمان نظامی آغاز گشت. گروهی از افسران گریختند و حدود ۶۰۰ تن از آنان دستگیر شدند که از این عده جمعا ۲۷ نفر اعدام و عده‌ی زیادی به حبس‌های طولانی محکوم گردیدند.

اولین دسته، مرکب از ۹ افسر که در میان آنان سرهنگ سیامک و سرهنگ مبشری هم بودند، روز ۲۷ مهر ۳۳ به همراه مرتضی کیوان، شاعر جوان و مبارز، تیرباران شدند دومین دسته، مرکب از ۶ افسر در تاریخ ۸ آبان ۳۳ و دسته‌ی سوم مرکب از ۵ افسر در ۱۷ همین ماه، دسته چهارم مرکب از ۶ افسر در ۲۶ مرداد ۳۴ تیرباران شدند. بهمن ماه همین سال نیز ستوان منزوی در زیر شکنجه به شهادت رسید.

روز ۱۵ تیر سال ۳۶ نیز روزبه پس از سال‌ها متواری بودن به دام مامورین رژیم افتاد و پس از یک زد و خورد یک ساعته دستگیر شد.

دوم اردیبهشت سال ۳۷ "آرمن آوانسیان" و "هوشنگ رضوانی" که از اعضای سازمان اطلاعات حزب بودند، تیرباران شدند.

روزبه در بیدادگاه نظامی شاه از آرمان‌های خلقش دفاع کرد. یاس و سرخوردگی و خیانت "رهبران" حزب نتوانست در عزم انقلابی و شرافت انسانی او خللی وارد سازد. ایستاد و جنگید و بالاخره روز ۲۱ اردیبهشت سال ۳۷ در مقابل جوخه‌ی آتش رژیم با قبول مرگ سرخ شعله‌ی شرافت را - در آن وانفصائی که هیچ چیز آن‌تر و ارزان‌تر از خیانت نبود - در بسیاری از دل‌های دردمند زنده نگهداشت.

درود بر او و بر همه‌ی شهدای خلق ننگ و نفرت برخائین و سازشکاران

۲۱ اردیبهشت سالروز شهادت افسر مبارز و قهرمان خسرو روزبه، و ۲۲ اردیبهشت سالروز شهادت زندانیان سیاسی زندان رشت. شهدا محمدتقی اقدام دوست، علی بلندی، هرمز نیکراه، سبزه‌علی محمدپور و محمدتقی محسوب‌کار می‌باشند. زندانیان مزبور به دنبال یورش وحشیانه‌ی مزدوران شاه و زاهدی به زندان رشت در اردیبهشت سال ۱۳۳۳، به شهادت رسیدند.

این فاجعه‌ی هولناک، زندان‌های سیاسی رژیم شاه را تکان داد به طوری که روز ۶ خرداد، کلیه‌ی زندانیان سیاسی زندان‌های تهران به عنوان اعتراض به این جنایت، دست به اعتصاب زدند.

در واقع رژیم مزدور کودتا برای تحکیم حکومت خودکامه‌اش، نیاز داشت که با اسارت و آزار و سرکوب نیروهای مبارز، ترس و خفقان را در میان مردم گسترش دهد. دستگیری وسیع نیروهای مبارز و منجمله برخی کادرهای حزب توده از یکسو و مماشات و عفونامه‌نویسی سران خائن این حزب در زندان از سوی دیگر، به یاس و ترسو توهم نوده‌ها می‌افزود و شرایط دشوار و ویژه‌ای را بوجود می‌آورد.

در دل سیاه همین شب‌های اختناق بود که گهگاه فروغ ستاره‌ی یک مبارز جان برکف، ظلمت را می‌درید و خاطره‌ی فراموش‌شده‌ی روشنائی و روز را زنده می‌کرد. روزبه یکی از همین ستارگان بود. در اوج سازش‌ها و خیانت‌های حزب توده، پایداری نمود و از شرف انسانی و سیاسی انقلاب دفاع کرد. او عضو هیئت دبیران "سازمان نظامی" بود. این سازمان که از نیروها و امکانات وسیعی در ارتش برخوردار بود، در روز کودتای خائنانه‌ی شاه، به توصیه و دستور "رهبران

طرح نمود) برده است! پس رهنمودی که از اینجا برای "حاکمیت انقلابی ضد امپریالیست!" بیرون می‌آید اینست که یا مهندس سبحانی را باید آن قدر تحت فشار قرار داد که مطلب را خودش درز بگیرد و یا هم این که به جرم لیبرالی یا همگامی با منافقین کنارش گذاشت! چه راهی برای مبارزه با گرانی از این بهتر؟ (ادامه دارد)

و این که به کدام جیب‌هایی رفته‌ارائه نمایند. که در این صورت خیلی چیزها روشن خواهد شد. ولی ما نگرانیم که همان طور که وقتی ما شکنجه را طرح کردیم، دست‌آخر معلوم شد خودمان شکنجه کرده‌ایم! در این مورد نیز دست آخر روشن شود که ۱۲۰ میلیارد را نیز خود مهندس سبحانی (که نخستین بار در مجلس آن را

دین بین فو

بقیه از صفحه ۱۰۰

هفتم ماه مه (۱۷ اردیبهشت) سالروز سقوط دژ جنگی امپریالیسم فرانسه در دره "دین بین فو" به دست ارتش خلق ویتنام است این پیروزی شگرف نیروی "انسان بر هیولای عظیم" جنگ افزار نه تنها در تاریخ نبرد خلق ویتنام، بلکه در جریان مبارزات آزادی بخش خلق های جهان، همواره به مثابه نقطه ی برجسته و تابانی خواهد درخشید.

امپریالیسم فرانسه از سال ۱۹۴۶ به منظور حفظ پایگاه های نفوذ خود در هندو-چین با حمایت حکومت های وابسته ی منطقه، تهاجم گسترده ای را بر علیه نیروهای چریکی "ویت مینه" (اتحاد برای استقلال ویتنام) به فرماندهی "جیپ" آغاز کرد. نیروهای "ویت مینه" نیز متقابلا با نفوذ در خاک لائوس و در ارتباط با چریک های "پانت لائو" در این کشور، بر علیه ارتش استعماری فرانسه می جنگیدند.

از زمستان ۱۹۵۳، نیروهای فرانسوی، استحکامات کم نظیری را در پادگان "دین بین فو" (واقع در مرز بین ویتنام و لائوس) مستقر کردند تا مانع از نفوذ ارتش خلق در لائوس شوند. "دین بین فو" نه تنها به دلیل برخورداری از استحکامات عظیم نظامی بلکه به دلیل قرار گرفتن در میان موانع هولناک طبیعی نظیر به ها و جنگل های صعب العبور وجود باران ها و سیلاب های

سمی، برطبق هربر آورد نظامی، خیرناپذیر به نظر می رسید. نیروهای فرانسوی با برخورداری از این پادگان، می توانستند به خوبی از تحرکات ارتش خلق جلوگیری کنند و برتری استراتژیک و نظامی خود را در منطقه حفظ نمایند. نیروهای "ویت مینه" برای شکستن این بن بست، و تداوم انقلاب چاره ای جز تسخیر "دین بین فو" نداشتند و این چیزی شبیه معجزه بود...

اما این معجزه به یاری ده ها هزار کارگر و دهقان ویتنامی که در صفوف ارتش خلق و یا در پشت جبهه ای این ارتش، سه ماه تمام با کار طاقت فرسای شبانه روزی، در زیر بمباران های بی وقفه ی دشمن، کوه ها را کردند، جاده ها راهموار کردند، و توپ ها و آتشبارها را از میان بانلاق ها و دره ها به بالا کشیدند و... به وقوع پیوست

اما این معجزه به یاری ده ها هزار کارگر و دهقان ویتنامی که در صفوف ارتش خلق و یا در پشت جبهه ای این ارتش، سه ماه تمام با کار طاقت فرسای شبانه روزی، در زیر بمباران های بی وقفه ی دشمن، کوه ها را کردند، جاده ها راهموار کردند، و توپ ها و آتشبارها را از میان بانلاق ها و دره ها به بالا کشیدند و... به وقوع پیوست

نمایندگان حزب حاکم در مجلس

نقش نمایندگان رستاخیز آریامهری

را در مورد مجاهدین تکرار می کنند

ملحشان (به خصوص کشتار- های اخیرشان از مجاهدین خلق در شمال) سرپوش گذارند بلکه حتی خود مجاهدین را متهم به ایجاد درگیری و... نماید تا زمینه ای اقدامات سرکوبگرانه و ضد انقلابی بعدی را فراهم نمایند و در واقع خط اسلاف رستاخیزشان را بپیمایند. آخر مگر نه اینست که اینان نیز که برای مردم کاری انجام نمی دهند، بایستی مابه ازای منافع نمایندگی را حداقل به حزب حاکم بدهند. و در مواقع لزوم خود را سپر بلای حزب حاکم در قبال خشم و تنفر توده ها قرار دهند؟ ولی ما در جواب ایشان فقط به نقل این آیه از قرآن کریم اکتفا می کنیم که در آن خداوند می فرماید: و سکنتم فی مساکن الذین ظلموا انفسهم و تبین لکم کیف فعلنا بهم و ضربنا لکم الامثال و قد مکرمو مکرمهم و عندالله مکرهم و ان کان مکرهم لتزول منه الجبال (سوره ابراهیم آیه ۴۷) و شما در جایگاه کسانی تکیه زده اید که بر خودشان ظلم کردند و ما نیز برای شما بیان کردیم که چگونه با آن ها رفتار کردیم و سرنوشت آن ها را چگونه رقم زدیم (و برای عبرت شما) نمونه هایی ذکر کردیم: در مورد کسانی که چه مکر و حيله ها که بکار نبردند و حال آن که (سرنوشت و جزای) مکرشان نزد خدا (بود) هرچند که (اهمیت و کوبندگی) مکرشان چه بسا کوه ها را به لرزه در می آورد.

نیز تا همین اواخر، صحنه ی همین گونه نمایشات ضد انقلابی بود. بدین صورت که بسته به سیاست روز و به خصوص در رابطه با این مساله که در هر مقطع، رژیم خون آشام شاه چه تعداد از توده های مردم و انقلابیون و بالاخص مجاهدین را به جوخه ی اعدام می سپرد، یا در کوچه و خیابان به رگبار مسلسل می بست، وظیفه ی برخی نمایندگان رستاخیز در مجلس این بود که نطق کنند و طی آن ضمن ستایش های معمول (از اقدامات مثبت و دستاوردها و پیشرفت های بی سابقه و مدیحه سرائی های چندش آور) شروع کنند به فحش و بد و بیراه گفتن به مجاهدین و سایر انقلابیون که "بله این ها سرسپرده ی قدرت های خارجی و مانع پیشرفت های مملکت هستند. این ها مردم بی گناه را می کشند و به کشتن می دهند و... پس باید با آن ها با قاطعیت رفتار کرد و..."

وظیفه ی سایر نمایندگان هم فقط این بود که حرف های او را با گفتن "صحیح است، احسنت!" تایید کنند. و اکنون بعد از مدفون شدن آن دستگاه و آن مجلس رستاخیزی چشم ما به نمایندگان رستاخیزگونه ای روشن که متاسفانه تحت نام جمهوری و اسلام، همان صحنه ها را تکرار می کنند. تا بدین ترتیب نه تنها بر جنایات و خون ریزی های ایادی

هنوز یکی دو روز از جنایات و کشتارهای وحشیانه ی چماق داران و حامیان مسلح آن ها در قائم شهر و بسیاری دیگر از شهرها نگذشته بود که در روز یکشنبه ۶۰/۲/۶ نمایندگان حزب رستاخیزگونه ی جمهوری در مجلس به تکرار همان صحنه های مسخره ی نمایندگان رستاخیز آریامهری پرداختند. بدین ترتیب که سخنرانان حزبی در نطق های قبل از دستور، بلا استثناء به لجن پراکنی و تهمت زدن و خط و نشان کشیدن علیه مجاهدین خلق پرداخته و سایر نمایندگان حزبی نیز که این سخنان را استماع می کردند چنان که شیوه ی همه ی نمایندگان فرمایشی و چیره خوار است ناطقین را تایید می کردند و چند روز بعد از آن نیز نامه ای از قماش همان لجن پراکنی ها منتشر کردند. البته همه ی این جیرم خواران و مجیزگویان به خاطر دارند که مجلس رستاخیزی شاه

بقیه از صفحه ۳۱

قیام ماه مه دانشجویان و کارگران فرانسه

به دست کارگران انقلابی روز به روز بالاتر گرفت. این کارگران که پی برده بودند اقدامات اصلاحی در چارچوب روابط سرمایه داری چاره ساز مشکلات آنان نیست تغییرات اساسی را دنبال می کردند. اما به دلایل مختلف منجمده سازش هایی که در بالا صورت گرفت، باعث شد که این راه تا به آخر طی نشود. با وجود این، نتیجه ی مذاکرات بین حزب کمونیست و دولت به انعقاد قراردادی بین طرفین جهت لغو "قانون نشیبت" و افزایش دستمزدها و دادن برخی امکانات رفاهی به کارگران منجر شد.

قیام کارگران و دانشجویان پاریس اگر چه به نتیجه ی نهائی نرسید اما خود به مثابه ی تجلی پیوند زحمتکشان و روشنفکران مبارز، انگیزه ی بسیاری از حرکات کارگری در اروپا گردید و چهره ی رفرمیسم و اپورتونیسیم را افشاء کرد.



-فرمانده بحث آزاد!

درباره ۲

روشهای خیانت بار اپورتونبستی

بقیه از صفحه ۲

کند. ولی خوب، در برابر اجازه‌ی انتشار علنی روزنامه، چه اشکالی دارد که رفقا! به این ترتیب ریختن چند لیوان آب را به آسیاب امپریالیسم چشم‌پوشی فرموده و به کرامات دیگر ارتجاع شکرگزار باشند! البته هرکس که خیلی "دیر" به بازی انقلاب بیاید، برای این که "زود" بار خود را ببندد، ناگزیر از تحمل این چیزهاست. والا بازهم باید برود و یک ربع قرن دیگر از دور سازماندهی کند و تازه بعد هم ببیند که هر چه ننیده در خدمت ساواک بوده است و بیس! یا بهتر بگوئیم: ببیند که رشته‌های سازمانی نظیر تشکیلات تهران را اساسا ساواک بود که می‌تنید! و ورشکستگی را ببینید که حزب توده و به قول خودش "پی‌گیرترین نیروی ضد امپریالیست سابقه‌دار و مارکسیست - لنینیست"!! که روزگاری مساله‌ی آزادی‌ها و ضدیت با دیکتاتوری آن قدر مساله‌اش بود که در بغداد به نیمور بختیار (فرماندار نظامی ۲۸ مرداد و نخستین رئیس جلااد ساواک) چشمک می‌زد، حالا باید تسبیح مشکوک‌ترین جناح‌های چماق‌دار (با همه‌ی سوابق انگلیس پناهی‌شان) را بیاندازد! ظاهرا، وقتی فرصت طلبی به اوج می‌رسد راه رشدی غیر از این وجود ندارد!

تبرئه
چپا و لگران وابسته
به حزب حاکم
از گیسوی ملت
باز هم با چماق
لیبرالیسم!

۲۷ فروردین سال جاری "مجاهد" ضمن سوالی تحت عنوان "۱۲۰ میلیارد تومان به جیب چه کسانی رفته است؟" از وزارت بازرگانی می‌پرسد: "در شرایطی که فشارهای اقتصادی هر روز بیش از پیش بر توده‌های محروم مردم سنگینی می‌کند، در شرایطی که بیکاری و کمبایی و گرانی هم چنان با ارقام نجومی، سیر

صعودی می‌کند و فشار آن مستقیما بر توده‌های زحمتکش و فقیر مردم سنگینی می‌نماید، در شرایطی که نزدیک به دو میلیون مردم آواره و جنگ زده ما در وضع رقت‌انگیز و فلاکت‌باری به سر می‌برند و ابتدائی‌ترین نیازهای آن‌ها نامین نیست، در شرایطی که کسبه‌ی جزء و خرده‌پا را بارها به اتهام گران‌فروشی شلاق زده و

شماره‌ی ۱۱۷ (۶۰/۲/۳) به سلسله افشاگری‌هایی در باره‌ی غارتگری‌های بنیاد مستضعفان دست می‌زند که طی آن‌ها چپاول‌های بی‌کران انحصار-طلبان و شرکایشان افشاء می‌گردد و اکنون ببینید که در تاریخ ۷ اردیبهشت، رهبری حزب توده در پاسخ به این سوال که "چرا با این که سرمایه‌داران در سال گذشته ۱۲۰ میلیارد

قبل از شروع جنگ روی کار آمد ما البته به هیچ وجه از نقائص و کمبودها و نارسائی‌های این دولت دفاع نمی‌کنیم. به هیچ وجه، ما هم نظریات خودمان را درباره‌ی دولت کنونی و کمبودها و نارسائی‌هایش در روزنامه‌ی خود منعکس کرده‌ایم و شما حتما آن را خوانده‌اید. ولی این دولت از وقتی روی کار آمد، مسائلی را مطرح کرد که به هیچ وجه با شرایط ادامه‌ی ۱۲۰ میلیارد تومان سود برای آن تجار هماهنگی ندارد" پس مطابق نظر حزب توده:

اصل قضیه بازهم زیر سر جناح لیبرال‌هاست و چندان ربطی به دولت حاضر و خلاصه حزب حاکم ندارد! زیرا که دولت حاضر (که گویا اصلا ربطی به حزب حاکم ندارد!) از

معلوم می‌شود که در نظر گاه‌اپورتونبستی وقتی کسی به حزب توده (آن هم هم عمدتاً از مواضع شخصی و بر اساس تعصبات فردی و نه سیستماتیک) خرده بگیرد و حمله کند ضد انقلاب است و ولی وقتی همین کسی به مجاهدین حمله می‌کند، نشریات آن‌ها را جمع آوری می‌کند و افراد آن‌ها را دستگیر و به شهادت می‌رساند به درجه رفیقه‌ی "ضد امپریالیست"! بودن مفتخر می‌گردد. آنگاه البته در چنین صورتی دیگر مصروف یا مجروح و مقتول و سازمان‌آور یا ایستی در اردوی "امپریالیسم" و ضد انقلاب محسوب نمود!

وقتی روی کار آمده "مسائلی را مطرح کرد که به هیچ وجه با شرایط ادامه‌ی ۱۲۰ میلیارد تومان سود برای آن تجار هماهنگی ندارد"! البته حزب توده راست می‌گوید! چون که هم حزب و هم دولت حاکم و به ویژه سخنگوی خوش کرشمه و طنزگوی آن آنقدر از مبارزه‌ی ضد امپریالیستی و ضد لیبرالی و امثال این‌ها مسائلی را "مطرح" (صرفاً مطرح) کرده‌اند که به هیچ وجه با

تومان سود برده‌اند، سعی در سرنگونی رژیم دارند؟" چگونه پاسخ می‌دهد: "ج: این سوال البته جالب به نظر می‌رسد. واقعا هم سرمایه‌دارانی که ۱۲۰ میلیارد تومان در یک سال سود برده‌اند و این سود چند برابر حاصلی است که در سال‌های گذشته بدست می‌آوردند، چه دردشان است که از وضع موجود ناراضی‌اند؟ ظاهرا آن‌ها باید هر طور می‌توانند این وضع را

جریمه‌های سنگینی به آن‌ها می‌بندند، در شرایطی که کارگران زحمتکش و محروم ما را به جرم مطرح کردن ضروری‌ترین و ابتدائی‌ترین حقوقشان (عیدی، سود ویژه، افزایش دستمزد برای مقابله با تورم لحام گسخته‌ی فعلی) متهم به ضد انقلابی بودن نموده و هرگونه اعتراض حق-طلبانه‌ی آن‌ها را در این زمینه بی‌رحمانه سرکوب می‌کنند و در این جهت حتی از ردیلا نه‌ترین سوء استفاده‌های ارتجاعی از معلولین و شهدا برای فرو-نشاندن اعتراض آن‌ها فروگذار نمی‌کنند... با توجه به این که این سود سرسام‌آور (۱۲۰ میلیارد تومان در سال) عمدتاً از محل تجارت و بازرگانی عاید شده است، وزارت بازرگانی باید برای مردم توضیح دهد که این مبلغ به جیب چه کسانی رفته است و چگونه؟ و هم چنین از وزارت بازرگانی می‌خواهیم که درباره‌ی گردانندگان و سهام‌داران "سازمان اقتصاد اسلامی" که گفته می‌شود از بالاترین مقامات قضائی و مسئولین حزب حاکم هستند به مردم توضیح داده و روشن کند که این سازمان در سال گذشته چه نقشی در فعل و انفعالات اقتصادی و به خصوص بازرگانی کشور داشته است؟" هم چنین "مجاهد" از

ولی بازهم "متاسفانه"! دم خروس‌هایی از قبیل "سازمان اقتصاد اسلامی" که پست‌های گردانندگان آن، مستقیماً حزب حاکم را به زندان اوین و این‌ها هر دورا به دولت ربط می‌دهد، وجود دارد که کار تحلیل حزب توده‌ای را با اشکال مواجه می‌کند! و اینجا است که برای حل این تناقض که: چگونه کسانی که خودشان ۱۲۰ میلیارد را به جیب زده‌اند مخالف دولتند؟ لازم می‌آید که عمداً بازهم لیبرال‌ها دراز شوند. غافل از این که بورژوازی بجاری و حتی تجارت خارجی اساساً در قبضه‌ی خود حزب حاکم است و یا با جناح دیگر بالاشتراک مصرف می‌فرموده‌اند. کافی است تا مثلاً کلیدی سهام‌داران و دست‌اندرکاران آشکار و پنهان سازمان اقتصاد اسلامی بر ملا شوند (به خصوص تاکنیک شناخته شده‌ی آنان در تاسیس صندوق‌های مخلف به اصطلاح خیریه! برای توجیه شرعی و گریز از مالیات و حسابرسی و...) تا رابطه‌ی حزب و زندان و دولت به درستی آشکار شود. ولی البته چنان که در همان نوشته‌ی مردم ۷ اردیبهشت مشهود است... آن چه فی‌الواقع بیشتر برای حزب توده مطرح است بدست آوردن "مرکز حزب توده‌ی ایران" است حتی اگر بهای آن نبرته کردن و فرار دادن بلعندگان اصلی ۱۲۰ میلیارد تومان، به رغم همه‌ی مستضعف پناهی‌های طرازنویین! و داد و فریاد بر سر تجارت خارجی و امثال آن، باشد. البته بلعندگان نیز متقابلاً سهم خود را در کوبیدن "مناقضین" کماکان ادا

نموده‌اند. سالی که به هیچ وجه با شرایط ادامه‌ی ۱۲۰ میلیارد تومان سود برای آن تجار هماهنگی ندارد! چون که هم حزب و هم دولت حاکم و به ویژه سخنگوی خوش کرشمه و طنزگوی آن آنقدر از مبارزه‌ی ضد امپریالیستی و ضد لیبرالی و امثال این‌ها مسائلی را "مطرح" (صرفاً مطرح) کرده‌اند که به هیچ وجه با

دم خروس‌هایی از قبیل "سازمان اقتصاد اسلامی" که پست‌های گردانندگان آن، مستقیماً حزب حاکم را به زندان اوین و این‌ها هر دورا به دولت ربط می‌دهد، وجود دارد که کار تحلیل حزب توده‌ای را با اشکال مواجه می‌کند! و اینجا است که برای حل این تناقض که: چگونه کسانی که خودشان ۱۲۰ میلیارد را به جیب زده‌اند مخالف دولتند؟ لازم می‌آید که عمداً بازهم لیبرال‌ها دراز شوند. غافل از این که بورژوازی تجارتی و حتی تجارت خارجی اساساً در قبضه‌ی خود حزب حاکم است و یا با جناح دیگر بالاشتراک مصرف می‌فرموده‌اند.

کرده و خواهند کرد چه به صورت پرداخت میلیون‌ها تومان هزینه‌ی به اصطلاح افشاگری علیه مجاهدین، چه به صورت پرداخت هزینه‌های چماق‌داری حزب مربوطه و چه به صورت گرفتن فتوای مختلف منجمله علیه مجاهدین (که گزارشات مستندی در این رابطه در جریان کاندیداتوری ریاست جمهوری دادیم) و چه به صورت

شرایط ادامه‌ی خفقان و اختناق و بمباران (کردستان) و لایحه‌ی قصاص و چماق‌داری و چرتکه نینداختن (به زیان امریکا!) اصلاً "هماهنگی" نداشته و ندارد...! لذا دیگر این را هم نباید "مطرح" کرد که پس سودها را خدای نکرده ممکن است عمدتاً خودشان خورده و چماق‌ها را هم خودشان بلند کرده باشند.

نگهدارند اما مساله شکل دیگر دارد. تا آن حد که ما اطلاع داریم در سال گذشته به طور عمده این دولت سرکار نبوده است. سال گذشته تا قبل از جنگ دولتی سرکار بوده که بقایای همان دولت لیبرال‌گام به گام در آن حجم بزرگی داشتند تقریباً اکثریت وزرای دولت آقای بازرگان در مقامات خودشان باقی مانده بودند. دولت کنونی تقریباً چند روز



اطلاعیه مجاهدین خلق ایران درباره شهادت ۵ میلیشیای مجاهد دیگر در نقاط مختلف کشور بدست چماقداران و ایادی مسلح مرتجعین انحصارطلب

بنام خدا
و
بنام خلق قهرمان ایران

هموطنان عزیز!

مردم آگاه و شهید پرور مازندران، گرج، بندرعباس و شهرکرد! اخبار رسیده از نقاط مختلف کشور حاکیست که هر روز بر تعداد شهدای مجاهد خلق که در اثر موج اخیر کشتار مجاهدین توسط چماقداران حزب حاکم و حامیان مسلح آنان در نهادهای رسمی به خون پاکشان غلطیده‌اند، افزوده می‌گردد. شهدای والا مقامی که هریک از پاک‌ترین و رشیدترین فرزندان آگاه و انقلابی خلق ستمدیده‌ی ایران بوده و جز وفاداری به اسلام راستین و انقلابی و مخالفت با عملکردهای ارتجاعی که بیشترین ضربه‌ها را بر پیکر انقلاب و حیثیت اسلام وارد کرده است، گناهی نداشته‌اند. هم‌چنین قابل تأکید است که علی‌رغم دروغ‌پردازی‌های شرم‌آور انحصارطلبان تمامی این شهدا با دست‌های خالی و در حال ایزاز مخالفت کاملاً مسالمت آمیز و یا در حین توزیع نشریه‌ی مجاهد هدف گلوله و چماق ایادی حزب حاکم قرار گرفته‌اند.

بنا بر آخرین گزارشات واصله علاوه بر خواهران شهید سمیه نقره‌خواجا و فاطمه رحیمی در قائم‌شهر و برادران شهید ودود پیراهنی و خلیل آجاقی در تهران که جریان شهادت آنان طی اطلاعیه‌های قبلی به اطلاع هموطنان رسیده است، تا این لحظه یک خواهر و چهار برادر مجاهد در شهرهای گرج، آمل، قائم‌شهر، شهرکرد و بندرعباس به شرح ذیل به گاروان پرافتخار شهدای مجاهد خلق پیوسته‌اند:

۱- میلیشیای قهرمان برادر مجاهد شهرام اسماعیلی دیپلمه در شهر آمل. وی در جریان حمله‌ی چماق‌داران و حامیان مسلحشان در تاریخ ۶۰/۱/۲ به محله‌ی اسپه‌گلا به ضرب گلوله‌ی یک پاسدار به‌خاک می‌افتد. چماق‌داران پیگر مجروح او را نیز با چماق‌هایی که بر سر آن میخ کوبیده بودند مورد ضرب و جرح قرار می‌دهند و سپس از برابر خشم مردم می‌گریزند. پیگر مجروح و مصدوم برادر مجاهد شهرام اسماعیلی توسط مردم به بیمارستان انتقال می‌یابد ولی معالجات بعمل آمده موثر واقع نشده و وی در تاریخ ۶۰/۲/۸ به شهادت می‌رسد. لازم به یادآوری است که مرتجعین مانع انتقال او به بیمارستان‌های تهران شده بودند.

۲- میلیشیای قهرمان خواهر مجاهد فاطمه کریمی دانش آموز دبیرستان در شهر گرج. او در جریان حمله‌ی چماق‌داران به تظاهرات آرام مردم گرج در تاریخ ۶۰/۲/۸ به منظور اعتراض به کشتار مجاهدین در قائم‌شهر، در اثر اصابت سنگ‌های پرتاب شده از سوی چماق‌داران به سرش به جمع شهدای مجاهد خلق می‌پیوندد.

۳- مجاهد شهید علی فتح کریمی (سرباز انقلابی نیروی هوایی) هوادار مجاهدین خلق ایران در شهر کرد. او در جریان حمله‌ی چماق‌داران و حامیان مسلح آنان به تظاهرات آرام مردم شهر کرد در تاریخ ۶۰/۲/۵ به ضرب گلوله به خاک می‌افتد. پیگر مجروح او جهت معالجه به اصفهان انتقال می‌یابد اما معالجات موثر واقع نشده و او در روز ۶۰/۲/۱۰ در راه آلمان‌های انقلابی و توحیدیش به شهادت می‌رسد.

۴- میلیشیای قهرمان مجاهد شهید منصور سایانی دانش آموز سال سوم رشته‌ی ریاضی و فیزیک دبیرستان ابن سینا در بندرعباس که از جوانان فعال و مبارز این شهر در مبارزات انقلابی خلق علیه رژیم دیکتاتوری شاه‌خائن بود. او و گروهی از هم‌زمانش در حالی که در چهلمین روز شهادت میلیشیای شهید صنم قریشی بر مزار او حضور یافته بودند مورد حمله‌ی چماق‌داران و پاسداران مسلح

مجاهد شهید منصور سایانی

"من منصور سایانی با آگاهی کامل راه‌سرخ و توحیدی مجاهدین را انتخاب کردم و رهائی و آزادی میلیون‌ها انسان تحت ستم را در تحقق آرمان مجاهدین خلق که همانا تبلور اسلام انقلابی است می‌بینم. از زمانی که پا در این راه‌نهادیم از تمام خطرات و سختی‌هایی که در پیش دارم کاملاً واقف بودم و مصمم هستم تا آخرین قطره‌ی خونم در راه سرخ و توحیدی مجاهدین خلق قدم بگذارم و با عزمی راسخ و اراده‌ای پولادین تا مرز شهادت که همانا برای ما کمال مطلوب است به پیش خواهیم رفت.

خون ما ضامن پیروزی خلق‌هاست و نابودی امپریالیسم... بخشی از وصیت‌نامه مجاهد شهید منصور سایانی که

از صفحه ۶
وصیت‌نامه‌ی مجاهد شهید میلیشیای قهرمان منصور سایانی که در آستانه‌ی شهادت نوشته‌است

بسم الله الرحمن الرحيم
حداکثر الذين تتلوهم سبيل الله امدان اجل حيا و مندم بزرگوار
بنام خدا
بنام خلق قهرمان ایران
من منصور سایانی فرزندی ملی دارنده‌ی سنه ۱۳۱۱ هجری قمری و ۱۹۳۱ هجری شمسی و همکاران
هواداران سزایان مجاهدین خلق ایران می‌باشم که در راه آزادی کامل راه‌سرخ و
توحیدی می‌بینم. از انتخاب کرده‌ام در راهی و آزادی میلیون‌ها انسان
تحت ستم را در تحقق آرمان می‌بینم خلق که همانا شعار ما و انقلابی
است. من مصمم و اراده‌ی پولادینی که پا در این راه‌نهادیم از تمام خطرات و سختی‌هایی
که در پیش دارم کاملاً واقف بودم که مصمم هستم تا آخرین قطره‌ی خونم
در راه سرخ و توحیدی مجاهدین خلق قدم بگذارم و با عزمی راسخ و
اراده‌ای پولادین تا مرز شهادت که همانا برای ما کمال مطلوب است
به پیش خواهیم رفت.
لا حول و لا قوة الا بالله العلی‌العظیم
منصور سایانی در وقت شهادت در ۱۳۱۱ هجری قمری و ۱۹۳۱ هجری شمسی و آزادی کامل بودم
بنام امپریالیسم

قاتل مجاهد شهید منصور سایانی



کارت پاسداری کامران آقا حسینی نائینی قاتل مجاهد شهید منصور سایانی

حامی آنان قرار می‌گیرند. در جریان این حمله بر اثر شلیک ناجوانمردانه پاسداری به نام کامران آقا حسینی نائینی از فاصله‌ی نزدیک، برادر مجاهد منصور سایانی به خون پاکش در غلطیده و به شهادت می‌رسد.

۵- مجاهد شهید عباس فرمانبردار از هواداران مجاهدین خلق در قائم‌شهر. او در جریان مراسم تشییع جنازه خواهران مجاهد سمیه نقره‌خواجا و فاطمه رحیمی که در تاریخ ۶۰/۲/۲ با شرکت بیش از ده هزار نفر از مردم قائم‌شهر برگزار شد در اثر ترکش نارنجک پرتاب شده از سوی چماق‌داران وابسته به کمیته قائم‌شهر به شدت مجروح گردید. پیگر مجروح او جهت معالجه به تهران انتقال یافت اما معالجات بعمل آمده موثر واقع نگردید و برادر مجاهد عباس فرمانبردار در روز ۶۰/۶/۱۱ به جمع شهدای پرافتخار مجاهد خلق پیوست.

بدین ترتیب با احتساب ۵ شهید مجاهد خلق که در دو هفته‌ی نخست سال جدید و به ضرب گلوله و یا دشنه‌ی چماق‌داران و حامیان مسلح آنان به شهادت رسیده‌اند، شمار قربانیان موج کشتار مجاهدین در چهل روزه‌ی اخیر به چهارده تن بالغ می‌گردد. البته خبرهایی از شهادت برخی مجروحین نیز رسیده است که در صورت اثبات و تأیید متعاقباً به اطلاع مردم آگاه و انقلابی ایران خواهد رسید.

مجاهدین خلق ایران ضمن محکوم کردن این جنایات وحشیانه و ضد مردمی شهادت این فرزندان آگاه و انقلابی خلق را به عموم هموطنان عزیز به ویژه خانواده‌های داغدار شهدا تبریک و تسلیت می‌گویند و اطمینان می‌دهند که راه پرافتخار و مقدس آنان را که همانا راه اسلام راستین و بقیه در صفحه ۲۸

قبل از شهادتش نوشته است. شهادت مجاهد شهید منصور سایانی جدیدترین اما مطمئناً نه آخرین جنایت ارتجاع در بندرعباس است. میلیشیای قهرمان منصور سایانی دانش آموز سال سوم رشته‌ی ریاضی و فیزیک دبیرستان ابن سینا در بندرعباس و از جوانان فعال و مبارز این شهر در مبارزات انقلابی خلق علیه رژیم دیکتاتوری شاه‌خائن بود.

او و گروهی از هم‌زمانش در حالی که در چهلمین روز شهادت میلیشیای شهید صنم قریشی بر مزار او حضور یافته بودند مورد حمله‌ی چماق‌داران مزدور و پاسداران مسلح حامی آنان قرار می‌گیرند. در جریان این حمله بر اثر شلیک ناجوانمردانه‌ی پاسداری به نام کامران آقا حسینی نائینی از فاصله‌ی نزدیک، منصور به خون پاکش در غلطیده و به شهادت می‌رسد.

پاسداران شب منصور را به شهادت رساندند اما آنان مانند تمامی مرتجعین تاریخ از درک این حقیقت تابناک غافل بودند که خون هر انقلابی مشعلی خواهد شد فرا راه رهائی و آزادی خلق.

یادش گرامی و جاودانه باد
مجاهد شهید سرباز انقلابی نیروی هوایی علی فتح کریمی
در صفحه ۳۰

سالروز شهادت

مجاهد شهید حبیب رهبری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 ✪
 فضل الله انبیا علیهم السلام

در آن سال‌های خفقان و اختناق سیاه این فرزندان راستین و دلاور خلق این حبیب و یارانی چون او بودند که علی‌رغم تسلیم طلبی و حجره‌نشینی مدعیان کاذب و دروغین اسلام، قهرمانانه بپاخاسته و آغازگر مبارزه‌ی مسلحانه و نبرد مرگ و زندگی با رژیم جنایتکار و وابسته‌ی شاه خائن بودند. و بدین سان بود که به قول پدر طالقانی "از خون آنان بعد از سالیان، سیلاب‌ها برخاست."

حبیب در سال ۱۳۲۵ در زنجان به دنیا آمد. در سال‌های ۳۹-۴۲ که هنوز نوجوان بود وارد مبارزات سیاسی -

۱۹ اردیبهشت امسال، نه بهار از شهادت انقلابی مجاهد شهید حبیب رهبری می‌گذرد.

آزهر سپیده تا سپیده‌ای دیگر

به مناسبت شهادت
دوخواهر مجاهد خلق در قائم شهر

از هر سپیده تا سپیده‌ای دیگر
 ما را گذریست از شهامت تا شهادت
 و شما را گذری است
 از خیانت ... تا جنایت
 از هر سپیده تا سپیده‌ای دیگر
 حیات عظیم خلقی را بر چارسوق خیانت !!
 به تجارت نشسته‌اید !!
 و تیغی بی‌رحم عدالت‌تان !!
 تنها در اعماق جگرگاه مظلومان می‌گذرد !!
 و می‌درد تا در اعماق قلب‌های پاره‌پاره
 حقیقت را به خون کشد
 اما، در زمان، در انسان
 چیزی عظیم چون رودی از ستاره و خورشید می‌گذرد
 و وجدان‌های عاشق و بیدار
 شانه به شانه‌ی آن به پیش می‌تازند
 از هر سپیده تا سپیده‌ای دیگر
 سرودها مان مادری است آواره و داغدار
 که بر چارسوی میهن در ظلم نشسته در سفر است
 از خزر تا خلیج
 و کلمات خونین آوازه‌هاش را
 از زخم‌های اجساد فرزندان بر می‌گیرد
 و بدین سان که می‌روید
 دیرست و دور نیست
 گه از پنجره‌ی خونین زخم‌ها سلاح برگیرد
 اما تا آن سپیده
 اجسادمان هریک پله‌گانی است
 که خلق رنجبر بر فراز آن به پیش می‌رود
 تا پرچم فتح خویش را به اهتزاز درآورد
 و تا آن سپیده
 اجساد زخم‌دارمان
 پله‌گانی است که شما را نیز بر آن صعودیست
 به سوی سرنوشت تمامی دژخیمان تاریخ
 به سوی چوبه‌های دار؟!
 اسماعیل یغمائی

اجتماعی شد. سرکوب و وحشیانه قیام ۱۵ خرداد و شکست آن، جرقه‌ای بود در اندیشه و تفکر او، جرقه‌ای که بعدها به مشعلی فروزان فرا راه خلق تبدیل شد.

حبیب در سال ۴۷۰ از طریق مجاهد شهید احمد رضائی به عضویت سازمان پذیرفته شد در ضربه‌ی شهریور ۵۰ با این که هویتش برای پلیس فاش نشده بود داوطلبانه به زندگی مخفی روی آورد و به طور تمام وقت و حرفه‌ای تمام نیرو و اندیشه‌اش را وقف انقلاب کرد.

حبیب از همان ابتدا در گروه "مقداد" که تحت رهبری مجاهد شهید مهدی رضائی بود به فعالیت پرداخت. این گروه یکی از هسته‌های پرتحرک و کارآمد بود. در درگیری ۱۶ اردیبهشت در خیابان خورشید که منجر به دستگیری مهدی دلیر شد، حبیب توانست با شکستن حلقه‌ی محاصره جان سالم بدر برد. اما به دلیل عدم توجه به تغییر قیافه و وضعیت لباس، سه روز بعد یعنی در ۱۹ اردیبهشت ۵۱ مجدداً در خیابان فرهنگ مورد سوء ظن گشتی‌های ساواک واقع می‌شود. حبیب طی یک درگیری مسلحانه قهرمانانه به مقاومت پرداخته و سرانجام با رگبار گلوله‌های امریکائی و اسرائیلی مزدوران شاه به شهادت می‌رسد.
یادش گرامی و راهش جاودان باد

تسلیت به مردم سیلزده و مصیبت دیده خراسان

در این هفته، با جاری شدن سیل در استان خراسان، ده‌ها نفر از هموطنان زحمتکش ما در شهرها و به ویژه روستاهای این استان قربانی شدند و هزاران نفر دیگر مجروح و مصدوم و بی‌خانمان گشتند و علاوه بر آن خسارات مادی بسیار زیادی نیز ببار آمد. مجاهدین خلق ایران ضمن ابراز تسلیت و همدردی با مردم مصیبت دیده‌ی خراسان و به ویژه خانواده‌های داغدار یادآور می‌شوند که گرچه این‌گونه سوانح طبیعی خواه ناخواه لطعات و ضایعاتی را به همراه دارد اما بدون شک گسترش ابعاد تلفات و خسارات آن را بایستی در بی‌کفایتی‌ها و سهل‌انگاری‌ها و عملکردهای انحصارطلبانه و واپسگرایانه‌ی مرتجعین حاکم جستجو کرد، که به تنها چیزی که نمی‌اندیشند مردم مستضعف و حقوق و نیازمندی‌های آنانست

سالگرد شهادت امام علی النقی (ع)

سوم رجب سالروز شهادت دهمین گوهر تابناک آسمان اسلام انقلابی است. سال ۲۵۴ هجری در چنین روزی، امام به دست مزدوران معتضد عباسی مسموم گردید و در تبعیدگاهش، سامرا، به خاک سپرده شد. شهادت امام به دلیل مبارزات او به علیه حکومت خودکامگانی بود که به نام "اسلام" و "حکومت خدائی"، رژیم پلیسی و غارتگری را بر مردم تحمیل کرده بودند. "خلیفه‌خدا!" متوکل عباسی در ادامه‌ی سیاست ترور و اختناق، کارش به آنجا کشید که دستور داد تا مزار شهدای کربلا را نیز درهم کوبند تا مانع از گردهم‌آئی مردم در آنجا شوند.

در چنین شرایط هولناک پلیسی، مبارزات انقلابی ائمه بسیار پیچیده، سازمان یافته و مخفی بود و شبکه‌های مرتبط مبارزین شیعه در بسیاری از شهرها گسترش داشتند. مزدوران خلیفه بارها برای کشف سلاح، پول و نامه‌ها و نوشته‌های ارتباطی، به منزل امام علی النقی ریختند و همه جا را بازرسی کردند ولی چیزی نیافتند.

امام، در متن چنین مبارزه‌ی سیاسی، با افکار ارتجاعی که از سوی روحانیون وابسته‌ی عباسی به نام اسلام در میان مردم تبلیغ می‌شد نیز مبارزه می‌کرد. حکومت عباسی برای قطع ارتباطات امام، او را به سامرا که مرکز نظامی و مطمئن رژیم بود، تبعید کرد. اما در همین جا هم تاب تحملش را نیاوردند و بالاخره مسمومش نمودند.
ما این روز را به همه‌ی مسلمانان انقلابی و پیروان راستین او تسلیت می‌گوئیم.

بقیه از صفحه ۳۷

اطلاعیه مجاهدین خلق ایران درباره شهادت ۵ میلیشیای مجاهد دیگر

انقلابی است تا پیروزی نهائی انقلاب و رهائی کامل خلق و تحقق جامعه‌ی بی‌طبقه‌ی توحیدی ادامه خواهد یافت. هم‌چنین مجاهدین خلق ایران ضمن محکوم کردن تبلیغات شرم‌آور انحصارطلبان مبنی بر متهم نمودن مجاهدین و هواداران آنان به درگیری و ایجاد تشنج، یادآور می‌شوند که اگر تبلیغات جنایتکاران ساواک در رابطه با اعتراضات حق طلبانه‌ی خلق توانست مردم را بفریبد، آنان نیز در این نیرنگ‌های عوام‌فریبانه توفیق خواهند یافت به راستی چگونه است که مرتجعین و ایادی مسلح آنان پیوسته با انواع سلاح‌های سرد و گرم بر مجاهدین و مردم حمله‌ور می‌شوند اما در عین حال کسانی را که در تظاهرات آرام یا در حین توزیع نشریه به خاک و خون می‌غلطند به ترک مبارزه‌ی مسلحانه دعوت می‌کنند!! مگر نه اینست که تمامی این شهدا در حال توزیع نشریه‌ی مجاهد یا در حال راه‌پیمائی و اعتراض گام‌ها آرام و مسالمت آمیز به ضرب گلوله‌ی عمال مسلح انحصارطلبان به خاک و خون غلطیده‌اند؟ پس در واقع این حزب حاکم و ایادی چماق‌دار آن هستند که باید چماق و اسلحه را در برابر خلق بر زمین گذارند و این همه خون جوانان بی‌گناه و انقلابی این مرز و بوم را بر خاک نریزند و گرنه بدیهی است که سرانجام از این خون‌های پاک سیلاب‌ها برخواهد خاست و آتش خشم مردم بر علیه جنایتکاران و ستمگران برافروخته‌تر خواهد گردید. چرا که مردم مبارز و انقلابی این میهن در جریان سال‌های طولانی مبارزه بر علیه یکی از غدارترین و سفاک‌ترین رژیم‌های تاریخ آبدیده شده و آگاهی‌ها و تجارب فراوان اندوختند و چنین مردمی را نه تهدید و ارباب و نه دروغ و دغل و تبلیغات شاهانه از پای نشانده و قادر به فریب آنان نیز نخواهد بود و بنا به سنن خدشناپذیر تاریخ و مشیت محتوم الهی سرانجام تمامی دغلبازان و جنایتکاران جز خسران و تباهی نیست.

و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون

مجاهدین خلق ایران
۱۲/ اردیبهشت/ ۶۰



بیمار مضمونی ۴

کارنامه دو سال چپاول و حیف و میل مرجعین در بنیاد مستضعفین

افشاکری "مجاهد"
در باره عاریت‌های
دست‌اندرکاران
ساد مستضعفین (۳)

کاری که روی طلاجات انجام شده بود، توجه نمی‌کردند و فروش کیلوثی طلا نیز نشان دهنده همین موضوع است. حتی گاهی طلاهایی را که روی آنها کار شده است له کرده‌اند و کیلوثی فروخته‌اند که در این مورد نیز گزارش موجود است. بررسی اسناد ۳۰-۲۲- ۱۲۲- ۱۷۷- ۱۷۸ و ۵۵۴ شان می‌دهد که نحوه قیمت گذاری و فروش طلا توسط آقای برهمند به چه صورت بوده است. مستلفای که شدیداً مطرح است این است که چرا بنیاد با توجه به وضعیت مالی خیلی خوب از طریق مصادره‌ی وجوه نقد محکومین دادگاه‌ها که هنوز هم از آن وجوه استفاده می‌کند، با عجله تمام سعی در فروش اموال گرانقیمت مانند طلاجات و فرش داشته است؟! مخصوصاً که می‌دانیم در شش ماهی اول سال ۱۳۵۸ به خاطر رکود حاصل از تعطیلی و اعتصابات در زمان انقلاب، قیمت‌ها فوق‌العاده پائین بوده‌اند...

را به تعجب و امیدارد خدا را هم بر آنچه درقلبش می‌گذرد گواه می‌گیرد، در حالیکه او بدترین دشمنان (خدا و خلق) است.

حتی حسابرسان بنیاد نیز از سوء استفاده‌ها به‌ستوه آمدند.

افتتاحات بنیاد و دست‌اندرکارانش، یکی پس از دیگری آنچنان بالا گرفت که حسابرسان بنیاد به ستوه آمده و در گزارش خود نوشتند: "طلاجات نیر به اشخاص مشخصی مانند آقایان کریم کاظمی، آریا و هراتی فروخته شده، مثلاً در یک فقره طی سند شماره ۱۱۷ واحد اجرائی ۵۳/۲۵۰ کیلوگرم طلا به مبلغ ۳۲/۱۰۰۰۰۰۰ ریال و طی سند ۵/۴۸۸/۶۸۰، ۱۷۸ ریال دیگر طلا به آقای کریم کاظمی فروخته شده است. البته طبق گزارشاتی که موجود است، فروشندگان طلا از طرف بنیاد به هیچوجه به

شاید هم ما اشتباه می‌کنیم و دستبند طلا و برلیان، فندک و طلا و برلیان، کیف و جاسیگاری طلا و برلیان و... جواهرات محسوب نمی‌شوند! و یا ممکن است معاون نخست وزیر به اصطلاح مکتبی مجاز است، چون گرگی بر اموال مستضعفین فروذ آمده و هنگامی که اوضاع را خیلی خراب می‌بینند، به مردم آشکارا دروغ بگویند!

اگر چه همواره تمام مرجعین تاریخ عوامفریبانه و با هزاران خدعه و نیرنگ اعتقادات و ایقان پاک‌توده‌ها را به بازی گرفته‌اند، ولی برآستی به نظر نمی‌رسد بلایی که در این مدت کوتاه بر سر واژه‌ها و عباراتی نظیر مکتب مستضعف و... آمده در طول هزاران سال آمده باشد. وجه خوب قرآن گفته است: *"ومن الناس من يعجبك قوله فی الحيوة الدنيا ويشهد الله على ما فی قلبه وهو الالخصام"* از میان مردم کسی است که گفتارش در مورد دنیا تو

مثنی تایید شده‌ی سند صفحه ۴

۱-۲-۳-۴-۵-۶: سحاق سید و حلقه برلیان- کتوآره برلیان- گوشواره وانگشتر برلیان (نگین مرجان) - انگشتر کردای برلیان نگین سبز ۱۱۳۱۰۹۹۸۷۲: سحاق سیدبرلیان، ... برلیان، حلقه برلیان، کتوآره برلیان، محمدمودا... ۱۳۳۲: ساعت بیضی و سحاق سید، ۱۴- گوشواره نگین یا قوت، ۱۵: دکمه سردست، ۱۶: سحاق سید برلیان ساعط طلا و برلیان، ساعت، گوشواره، گوشواره، سحاق طلا، دکمه سردست، دکمه سردست برلیان گوشواره، دکمه سردست، دکمه سردست، سحاق کراوات (!) دکمه سردست ۶۶۶۵۰: طلاعی ۱۴ اعتبار (!) دکمه ۱۴ عمار، سحاق و دکمه سردست، کتوآره نگین دار برلیان ۳۸۹۵۰۰: دکمه سردست، سحاق سید، مدال مریم، مداد... دکمه سردست، حلقه برلیان، خردنیر (!) ۱۴۹۸۰۰: قفل‌های مروارید، قفل‌های گردن بند، بندهای مروارید، مداد مرجان و قفل طلا ۴۰۴۳۰۰: کردن بند زمردرنگ، حقه آراش طلا، قلم خودنویس، کردن بند ۴۲۸۰۰۰۰ ریال ۳۱۸۵۹۷۰

تومان را نیز منظور کرده‌اند! حتماً برای اینکه بگویند محاسبات کاملاً دقیق انجام شده و کوچکترین خیانتی روا نداشته‌اند! ولی وجدانا باید برسید هنگامی که این ارقام نوشته می‌شد، به ریش مردم و مستضعفین نمی‌خندیدند؟! نکته‌ی جالب تر اینکه جناب کریمی نوری (سرپرست قسمت فروش) با وقاحت تمام اعلام می‌دارند: "ما در طول مدت کارمان حتی یک قطعه شئی عتیقه یا جواهر یا وسیله‌ی دیگری که دارای ارزش بسیار زیاد و... به فروش نرسانده‌ایم" (جمعه زن روز شماره‌ی ۷۷۵) اگر چه به نظر می‌رسد سند فوق به خوبی گویای کذب گفتار ایشان باشد، ولی می‌توان به فاکتور زیر نیز نظری افکند که امضای جناب کریمی نوری در زیر آن به چشم می‌خورد.

افسانه‌ای طاغوتیان جدآمد. جواهرات فروخته شده در سند فوق، مربوط به قصر "محو" پسرخالی شاه خائن می‌باشد. اگر به خاطر داشته باشید، فیلم این قصر افسانه‌ای، پس از انقلاب از طریق تلویزیون نمایش داده شد. قصری که دستگیره‌ی درهای آن و حتی وسائل نظافت آن از طلاست. با این توضیح‌نگاهی دیگر بر اقلام فروخته شده در سند فوق و قیمت‌های آن بیفکنید: سحاق سینه، حلقه‌ی برلیان، ۲ گوشواره برلیان دو انگشتر برلیان، نگین مرجان و... همه روی همدیگر ۲۵۰۰۰ تومان. ۳۰ قلم جنس بدون اینکه مشخصاتی نظر وزن و... در آنها ذکر شده باشد و در غالب موارد مجموعاً قیمت گذاری شده‌اند. در ردیف ۹ این فاکتور نوشته شده است: گردن‌بند زمردرنگ! جعبه‌ی آرایش طلا، قلم خودنویس طلا، گردن‌بند (۳ عدد) آیا به راستی خود حضرات که سوابق ممتدی در بازار و خرید و فروشهای فراوان دارند، هرگز به یاد دارند که حتی نخود و لوبیا را این چنین فروخته باشند؟

جالب اینجاست که در ردیف دوم لیست مذکور با عوامفریبی تمام حتی ۳۲

دستبند طلا و برلیان مختلف ۶ قلم- گردن‌بند طلا و برلیان مختلف ۸ قلم- کیف و جاسیگاری و جاکبریتی طلا برلیان ۳ قلم- سحاق نشان برلیان خارجی ۲ عدد- فندک طلا و برلیان و... قران ۲ عدد - و مقداری سحاق‌های مختلف و انگشتر با سنگ‌های برلیان و متفرقه جمعا به مبلغ ۱۸۵۰۰۰۰ ریال امضای حاج محمود کریمی نوری

سند شماره ۱۱۷ واحد اجرائی ۵۳/۲۵۰ کیلوگرم طلا به مبلغ ۳۲/۱۰۰۰۰۰۰ ریال و طی سند ۵/۴۸۸/۶۸۰، ۱۷۸ ریال دیگر طلا به آقای کریم کاظمی فروخته شده است. البته طبق گزارشاتی که موجود است، فروشندگان طلا از طرف بنیاد به هیچوجه به

بهر دارای وضعیت مشابهی است یعنی طلاجات نیز به اشخاص مشخصی مانند آقایان کریم کاظمی، آریا و هراتی فروخته شده طلا در یک فقره طی سند شماره ۱۱۷ واحد اجرائی ۵۳/۲۵۰ کیلوگرم طلا به مبلغ ۳۲/۱۰۰۰۰۰۰ ریال و طی سند ۵/۴۸۸/۶۸۰، ۱۷۸ ریال دیگر طلا به آقای کریم کاظمی فروخته شده است. البته طبق گزارشاتی که موجود است، فروشندگان طلا از طرف بنیاد به هیچوجه به

قسمتی از گزارشی که مسئولین حسابرسی بنیاد تهیه کرده‌اند.

برگ فروش

مبلغ	توصیف	تاریخ
	دستبند طلا و برلیان مختلف	
	۶ قلم- گردن‌بند طلا و برلیان مختلف	
	۸ قلم- کیف و جاسیگاری و جاکبریتی طلا	
	۳ قلم- سحاق نشان برلیان خارجی	
	۲ عدد- فندک طلا و برلیان و...	
	قران ۲ عدد - و مقداری سحاق‌های مختلف	
	و انگشتر با سنگ‌های برلیان و متفرقه	
۱۸۵۰۰۰۰	جمعا به مبلغ	

جمع بر مبلغ ریال

امضای حاج محمود کریمی نوری

فاکتور فروش مبلغ ناچیزی! بزرگبار یک میلیون و هشتصد و پنجاه هزار ریال طلا به آقای عباس گوهریین. زیر این فاکتور را حاج محمود کریمی نوری امضاء کرده است.



افشاکری "مجاهد"
در باره عارض گریهای
دست اندر کاران
بسیار مستضعفین (۳)

بنیاد صفحه ۲۹ کارنامه دوسال چاول و حیف و میل مروجین در بنیاد مستضعفین

ردیف	شرح	مبلغ
۱	خرید آرد کرم کامل ۱۸ مایه ۲۲۵ کیلوگرم	۲۲۵۰۰۰
۲	تفت چوب	۶۷۵۰
۳	مبلغ نقدی در دسترس	۳۳۰۰۰۰
جمع		۵۶۱۷۷۰

هر فرد غیر خیره می هم می تواند تشخیص دهد که تنها ذکر "طلای ۱۸ عیار" آن هم برای ارزش گذاری و خرید ۳۲ میلیون ریال طلا کافی نیست

با توجه به سند فوق فقط چند سوال پیش می آید که مسئولین بنیاد و منجمله حاج کریمی نوری باید پاسخ دهند این افراد مشخص چه کسانی هستند؟ چه روابطی بین سرمداران واحد اجرائی با این افراد وجود داشته است که به این ترتیب طلاهای گرانبها له می شده و با عجله تمام به عنوان طلای اسقاطی به فروش می رسیده است؟ اگر این افراد، خریده را برای خود انجام می داده اند پرسیدنی است که چگونه در روزهای پس از قیام می توانستند به راحتی میلیونها تومان خرید نقدی انجام دهند؟ و اگر آنها خریده را برای اشخاص دیگری انجام می دادند آن اشخاص پشت پرده چه کسانی هستند؟ چرا در غالب موارد حتی وزن طلاها مشخص نشده؟ آیا برای فروش بیش از ۵۳ کیلوگرم طلا، تنها ذکر "طلای ۱۸ عیار" کافی است

آری همانگونه که در مورد سوم و چهارم فروشها پیداست "بنیاد مستضعفین" تریاک و منقل و سینی مربوط به آن را نیز فروخته است. سند زیر نیز گویای همین مساله است.

برای اینکه ببینید، این حضرات برای پرکردن جیب خود، هیچگونه پایبندی و تعهدی نمی شناسند به این قسمت از گزارش بازرسان بنیاد نیز توجه کنید.

شیادان حرفه ای که بر بنیاد چنگال طمع کارشبان را گسترده اند، در شرایطی که بسیاری از افراد ناآگاه به جرم اعتیاد، به جوخه های اعدام سپرده می شوند، خود با خیال راحت به معامله تریاک مشغولند!!

(ادامه دارد)

توضیحات گزارش بازرسان قانونی بنیاد مستضعفان برای سال مالی منتهی به ۵۸/۱۲/۳۰ (ادامه)
الف / ضعف سیستم مدیریت و سیاست فروش اموال مصادره شده علاوه بر توضیحات مربوط به گروه های مختلف اموال فروخته شده توسط واحد اجرائی طی سال ۱۳۵۸ این توضیح لازم به نظر می رسد که به دلیل ماهیت خاص بعضی از فروشهای انجام شده که در ضمن رسیدگی های مربوط به فروش اموال مصادره شده بدانها برخورد گردیده، نوعی ضعف سیستم مدیریت و سیاست فروش در واحد اجرائی وجود داشته که شاید با ماهیت انقلابی بودن این نهاد مغایرت داشته باشد:

ردیف	شرح	مبلغ
۱	ترباک ترسا آرد کرم	۵۰۰۰۰
جمع		۵۰۰۰۰

برگ فروش ۵۰۰۰ تومان تریاک، در بالای برگه ی فوق آرم واحد اجرائی بنیاد مستضعفین دیده می شود.

۱- فروش مجسمه شاه سابق به شخصی به نام دکتر محبت آئین (ضمیمه الف-۲)
۲- فروش مقدیر معتنابهی مدالها و نشان های رژیم گذشته به افراد (خریدار عمده: دکتر محبت آئین)
۳- فروش تریاک به افراد جمعا ۳ فقره (ضمیمه الف-۳)

۴- فروش منقل و سینی تریاک به شخصی به نام مسعود صحت پور یک بار دیگر به اقلام ردیف ۳ و ۴ توجه کنید: تریاک همراه با منقل و سینی مربوطه!!

"اطلاعیه" اتحاد ملی زنان "بقیماز صفحه ۱۳"

ما حملات اخیر چماق داران و پاسداران را به اجتماعات در شهرهای مختلف، پرتاب نارنجک به میان تظاهرات دانشجویان در مقابل دانشگاه تهران، حمله به کانون نویسندگان و به ویژه حمله ی اخیر به مردم قائم شهر که منجر به شهادت دو مجاهد خلق: فاطمه (رویا) رحیمی و سمیه (پری) نقره خواجا گردید شدیداً محکوم می کنیم و از کلیه سازمان های دمکراتیک و آزادی خواه می خواهیم که در دفاع از آزادی های دموکراتیک مردم بپاییزند.

۱۳۶۰/۲/۸

اعتراض گروهی از هموطنان ارمنی

ما جمعی از ارمنه با تاسف فراوان اخیراً شاهد گسترش حملات جنایتکارانه بر علیه گروه ها و سازمان های دمکراتیک، به ویژه اعضا و هواداران سازمان مجاهدین خلق، در صفحات شمال کشور می باشیم. جای نگرانی بسیار است که در شرایطی که خاک میهن عزیز از هر سو مورد تهدید و تجاوز قرار گرفته و امپریالیسم و عمل منطقه ای اش در کمین اند تا استقلال و موجودیت کشورمان را از بین ببرند، مقامات صاحب قدرت جمهوری اسلامی، به جای بسیج همی نیروهای مردمی و شرکت دادن آنان در مبارزه برای بیرون راندن دشمن متجاوز، سرکوب و قلع و قمع نیروهای را که سوابق درخشانی در مبارزه ی قاطع ضد امپریالیستی و دفاع از حقوق و آرمان های مردمی دارند، هدف عمده ی خود قرار داده اند...

مجاهد شهید از صفحه ۲۷ سربازان انقلابی نیروی هوایی علی فتح کریمی

مجاهد شهید علی فتح کریمی در خانواده ای زحمتکش به دنیا آمد. روزها کار می کرد و شبها به تحصیل می پرداخت و بدین نحو تا کلاس نهم درس خواند. علی فتح در هنگام انقلاب فعالانه در راه پیمائی ها شرکت می کرد و در همان هنگام بود که با مجاهدین خلق آشنا شد. او بعد از پیروزی انقلاب بر فعالیت های خود افزود و ضمن مطالعه و آموزش، با شرکت در بحث های گوناگون و در اجتماعات مردم شهر کرد به نشر آگاهی و تبلیغ آرمان مجاهدین پرداخت. بارها می گفت: "آرمان مجاهدین، انسان رازنده و سرمست از عشق به خدا و خلق محروم می کند" او در سال ۵۹ به سربازی اعزام شد و در آنجا نیز به رغم اختناق موجود از فعالیت آگاه کننده دست برنداشت. علی کینه های عمیق نسبت به غارتگران منافع و ثروت های خلق داشت. روزی در پاسخ پدرش که وی را به سروسامان دادن زندگی نصیحت کرده بود چنین می گوید: "باید دست به عمل زد و منافع پامال شده ی خلق را باز پس گرفت. فعالیت انقلابی"

سیاسی در جهت امحاء نظام - های طاغوتی که بر علیه مردم و بر خلاف منافع ستمدیدگان دست دوستی به دشمنان خلق می دهند یک وظیفه ی انقلابی است"

علی فتح هنگامی که به شهر کرد آمده بود در آخرین روز مرخصیش، یعنی در روز شنبه ۵ اردیبهشت/۶۰ هنگامی که در صفوف مردم در راه پیمائی اعتراض آمیزی که نسبت به کشتار مجاهدین در قائم شهر ترتیب یافته بود در مقابل دفتر حزب جمهوری مورد اصابت گلوله ی ژ-۳ مزدوران حزب ارتجاعی حاکم قرار گرفته و از ناحیه ی طحال و کلیه به شدت آسیب می بیند. برادر مجاهد علی فتح کریمی بعد از ۵ روز مقاومت و بعد از تلاش های بی دریغ پزشکان، پرستاران و کارکنان شریف و فداکار بیمارستان مصدق شهر کرد و اصفهان به علت عمق جراحات وارده در سحرگاه ۵ شنبه ۱۰ اردیبهشت/۶۰ به کاروان شهدای مجاهدین خلق می پیوندد.

بی تردید خلق قهرمان ما اجازه نخواهد داد که خون این عزیزان پامال گردد و انتقام آنان به فراموشی سپرده شود.



نامه مجاهدین خلق به حضرت آیت الله خمینی

بقیه از صفحه ۲

بر همه ی زورگویی های دیگر بیداد می کند - وقتی کدر عین مشقات وحشتناک توده های مردم ، یک قلم یکصد و بیست هزار میلیون تومان سود به جیب عدمای می رود و میلیاردها دلار پول مستضعفان ایران نصیب طلبگاری های موهوم طاغوتیان و آمریکائیان چپاولگر می شود ، - وقتی که ...

بله ، مشخص فرمایید که چه باید بکنیم و آیا جز این است که حتی وقتی که در دفاع از حقوق محرومان و زحمتگشان میهنمان با اشتیاق شهادت به جبهه می رویم نیز انحصارطلبی و ضدیت گور بیمارگونه با حکم رسمی ما را به اتهام جاسوسی پس می زند و روانه ی زندان ها می کند و آنگاه در عین حال که هم چنان در جبهه حضور یافته می جنگیم تازه در تهران شعار می دهند که چرا به جبهه نمی رویم !! هم چنین آیا جز این است که اختلافات مسئولین کشور در بالا چیزی جز انعکاس بسیار طبیعی و جبری مشکلات و مسائل مختلف کشور در پائین نیست ؟ و آیا می توان بدون حل این مشکلات مختلف اقتصادی و اجتماعی و سیاسی در متن جامعه ، به حل اختلافات در بالا امید داشت ؟

حضرت آیت الله !

شما پیوسته به رغم تقاهت جسمی با گروه ها و جماعات و افراد مختلف به طور روزمره دیدار و ملاقات دارید . اکنون اگر سوء تعبیر نشود ما و گلیه ی هوادارانمان در تهران نیز که قشری از اقشار ملت هستیم بدین وسیله تقاضا می کنیم تا برای بیان مواضع و تشریح اوضاع و عرض شکایات و اثبات مطالب فوق الذکر بدون هیچ گونه تظاهر و در نهایت آرامش به حضورتان برسیم . به گمان ما این می تواند یک رویداد مهم تاریخی محسوب شده و انشاء الله سرآغاز بسیاری تدابیر و تقاضاهای ملی و هرچه بیشتر زنده داشتن امید زندگانی مسالمت آمیز و در نتیجه نافی تشنجات داخلی و حتی زمینه ساز اتحاد عمومی و سراسری برای دفع کامل العیار تجاوز حکام دیکتاتور و جاه طلب بعثی به حقوق و زندگانی هموطنان ستمزده و رنج دیده ی ما باشد .

مجاهدین خلق ایران
۱۳۶۰ / اردیبهشت ۱۳۶۰

حضرت آیت الله بنا بر این تقاضای ما این است که " تکلیف " ما و هوادارانمان و مردمی را که فی الواقع از این اوضاع دز رنجند نیز مشخص فرمائید که :

- وقتی شگوه و شکایت ها به جایی رانمی برند و کم ترین تقاضای عادلانه ی مردم و کارگران و دهقانان از انقلاب با برچسب ضد انقلاب و خانه خرابی (نمونه های گرج و تهران) و گلوله و حتی بمباران و محاصره ی اقتصادی (کردستان) مواجه می شود ،

- وقتی که در فقدان هرگونه تقصیر ، تازه بازهم ما را به مظلوم نمائی متهم می کنند ! و یا به رغم قریب به یک هزار مورد مستند و با مدرک که به دادگستری داده ایم ، خودمان به زجر و آزار خودمان متهم می شویم ،

- وقتی که قریب به یک سال است به رغم تقاضاهای مکرر اجازه ی اجتماع و ابراز عقیده به ما نمی دهند و یا به مختصر بهانه های واهی به توقیف هرآن چه که مطابق میلشان نباشد می پردازند ،

- وقتی که زندان ها انباشته می شوند و شکنجه و کشتار بی امان ادامه دارد و فی المثل در همان روز ۷ اردیبهشت پس از غارت درمانگاه مجاهد شهید دکتر احمد طباطبائی (که در راه جبهه های جنوب کشور به شهادت رسید) هفت تن از برادران گادر پزشکی و هم چنین بیماران ما را در داخل درمانگاه توقیف و قبل از انتقال به زندان در همانجا با گابل سیمی شلاق می زنند ،

- وقتی که چه ما و چه هر کس که مختصر مخالفتی با انحصارطلبی داشته باشد بی دریغ به عامل صدام و آمریکا و ضد انقلاب ... متهم می شود ، - وقتی که به دنبال تمامی تحریکات خانه های هوادارانمان غارت و به آتش کشیده می شود ،

- وقتی که هنوز دانشگاه های کشور تعطیل است و ده ها هزار دانشجو با هزینه ی گزاف که چند مقابل هزینه ی کل دانشگاه است به ناگزیر راهی خارج از کشور شده و آن هائی هم که مانده اند در داخل خوابگاه هائی بدون آب و برق دانشجویی نیز تامین جانی نداشته و هر روز مورد ضرب و جرح و اصابات گلوله واقع می شوند ،

- وقتی که گرانی طاقت فرسا و بیگاری مضاف

اعلام قبلی و به ابتکار خود آن ها برای اعتراض به کشتار جگرگوشگانان ترتیب یافته بود ، به طور سراسری دعوت به آراش نمود موحتی درخواست کردیم از مراسم تشییع هفت تن شهید بعدی نیز چشم پوشی نمایند . ضمناً شایان تذکر است که مادران فوق الذکر همان هائی بودند که بارها پشت درهای دادگستری یا زندان اوین مورد اهانت و ضرب جرح واقع شده و سرانجام در ناامیدی کامل از رسیدگی دستگاه قضائی به خیابان ریخته و آن چنان حمایت مردم شریف تهران را برانگیختند . با این همه بازهم تبلیغات سراسر دروغ و یکجانبه بر علیه ما گماکان و با شدت هرچه تمام تر ادامه داشت و دیر نیست تا مدعی شوند که لابد بمب گذاری های ضد انقلابی نیز کار مجاهدین بوده است ! گو این که ما ایمان داریم که بنا به همه ی سنن الهی و تکاملی با دروغ حتی نمی توان آجری را بر روی آجر دیگر بند نمود .

از این حیث در برابر " تکلیفی " که گوشزد فرمودید چه چاره ای جز نوشتن و تقدیم " وصیت نامه ها " باقی می ماند ؟ گمان می کنم که امروز اوضاع به جایی رسیده که خواهران و برادران نوجوان ما نیز حتی برای فروش یک نشریه ابتدا " وصیت نامه ها " را می نویسند و آنگاه می روند .

اما اگر نظر خود ما را خواسته باشید به عرض می رسانیم که دردهای ما اساساً همان دردهای اقشار بسیار وسیعی از " ملت " است . ملتی که امروز بیش از پیش احساس می کند که به حداقل نیازهای مادی و آرمان های عقیدتی نیز که از انقلاب انتظار داشت دست نیافته است .

احساس می کند که زمین ها هم چون ثروت ها و امتیازات مختلف دیگر تقسیم نشده مانده و از آزادی ها نیز چندان خبری نیست و در مبارزه ی ضد امپریالیستی نیز تا آنجا که به دولت مردان مربوط می شود مغبون گردیده است .

و همه ی این ها نیز در قدم اول ناشی از این حقیقت تلخ است که در حالی که به قول خود شما انقلاب را " همه " کرده اند دست آوردهای آن " انحصار " جریان خاصی شده است که سعی دارد با در اختیار گرفتن اکثریت قریب به اتفاق ارگان های تبلیغاتی همه چیز را به زور تبلیغات موجه جلوه دهد .

قیام ماه مه دانشجویان و کارگران فرانسه عصیان بر علیه نظام سرمایه

دانشجویان را حمایت می کردند .

دولت برای جلوگیری از گسترش جنبش ، تصمیم به آزادی دانشجویان زندانی گرفت اما دیگر موج اعتراض ، توده های کارگر را نیز فراگرفته و غیر قابل کنترل شده بود . روز ۱۳ مه تظاهرات پرشور بیش از یک میلیون کارگر کاخ های سرمایه را به لرزه درآورد . بسیاری از کارگران به سنگرهای دانشجویان پیوستند و در ارتباط با آنان درس انقلاب آموختند و بیش از پیش به قدرت عظیم خود پی بردند . از این پس با تعطیل شبکه ی راه آهن ، حمل و نقل عمومی ، پست و تلگراف ، مراکز تولید برق و ... بیش از ده میلیون کارگر به جنبش پیوستند و موج تسخیر و تصرف کارخانه ها و واحدهای تولیدی بقیه در صفحه ۲۵

به تظاهرات عظیم دانشجویان در دهم ماه مه منجر گردید . در این شرایط رهبری حزب کمونیست نیز علی رغم موضع گیری های اولیه اعلام همبستگی کرد . به دنبال این تصمیم ، " سندیکای سراسری کارگران " به حمایت از جنبش دانشجویی برخاست و از کارگران دعوت کرد تا از روز ۱۳ مه دست به اعتصاب بزنند . روز بعد پلیس با گاز اشک آور و باطوم به سنگرهای دانشجویان حمله کرد . مردم در مقابل مزدوران سرمایه داری پارسا شدن آب و غذا و امکانات ،

۲۱ فوریه ۱۹۶۸ دانشجویان تظاهرات عظیمی را در همبستگی با خلق ویتنام - که مورد تهاجم وحشیانه ی امپریالیسم آمریکا بود - برپا کردند . در این روز پلیس چند تن از رهبران دانشجویان را دستگیر نمود . از این پس اعتراضات دانشجویی برای آزاد کردن دانشجویان زندانی اوج گرفت . و در ۲۲ مارس به تظاهرات وسیعی منجر گردید . ادامه ی این اعتراضات در هفته های بعد به درگیری دانش آموزان و دانشجویان با پلیس و بالاخره

از اواخر سال ۱۹۶۷ اعتراضات روشنفکران و محافل کارگری بر علیه دولت فرانسه رو به افزایش نهاده بود . کارگران خواستار لغو " قانون تثبیت دستمزدها " و افزایش دستمزدها به نسبت رشد هزینه ی زندگی بودند . در همین زمان دانشجویان فرانسوی نیز برای تحقق خواست های صنفی و سیاسی خود دست به اعتصاب زدند . آنان نسبت به سرمایه گذاری - های کلان دولت در ایجاد مراکز انرژی اتمی اعتراض داشتند .

دوم ماه مه ۱۹۶۸ (۲۰ اردیبهشت ۱۳۴۷) ، پاریس با فریاد بیش از ۳۵ هزار دانشجوی مبارز که برای آزاد کردن رهبران خود به سوی زندان شهر حرکت می کردند ، به لرزه درآمد . پلیس سرمایه داری فرانسه به صفوف راه پیمایان آزادی یورش برد و دانشجویان در مقابله با پلیس ، مناطقی را به تسخیر خود درآوردند و در سنگرها پناه گرفتند . مردم پاریس در شوق این قیام که نظم غارتگر سرمایه را به وحشت انداخته بود ، در خانه های خود را به روی دانشجویان می گشودند و به آنان پناه می دادند . جمهوری دوگله نیاسوده از عصیان الجزایر ، اکنون طوفان عصیان و اعتراض را در خیابان های بزرگ کرده ی عروس شهرهای جهان درو می کرد .

بابی سندز انقلابی قهرمان ایراند به ابدیت پیوست

در صفحه ۳

وحنی روحانیون (بخواهیم که) جبهه‌ی واحدی تشکیل دهند در قبال فاشیسم و استبداد دینی. مردم الان باید بپاییزند و (آن‌ها را) کنار بزنند و نیروهای مترقی بیایند مملکت را اداره کنند. امکان دارد مرا نیز اعدام کنند ولی من حرف‌هایم را می‌زنم... در پایان سخنرانی مجدداً او با شاعرهای... منافع حاکم-تربییون را رهاکن - هوادار حبسی هوادار حسین است" به طرف جمعیت یورش می‌برند، برده‌های اطراف تربییون را شکسته و به سوی سخنران سنگ می‌اندازند که منجر به شکسته شدن دست یکی از محافظین سخنران می‌شود. سخنران جلسه از بلندگو خطاب به جمعیت می‌گوید: "این دولت فاشیسم است که این‌ها حمله می‌کنند!" گرچه مردم از گسروش حملات جماعت‌داران مانع می‌شوند ولی سخنرانی و مراسم به طور نیمه‌تمام به پایان می‌رسد.

از علاقه‌مندان تقاضا می‌شود که کمک‌های مالی خود برای "سازمان مجاهدین خلق ایران" را به حساب جاری شماره ۱۳۰۰ بانک صادرات واقع در پیچ شمیران واریز نمایند.

از سال وچه توسط کلیه‌ی شعبات بانکها در شهرستان‌ها و کلیه‌ی شعبات بانک صادرات در شهران امکان پذیر است.

"مجاهد" نشریه مجاهدین خلق ایران سال دوم آدرس: شهران ۱۶ صندوق پستی شماره ۶۴/۸۵۵۱

از سرویس خبری مجاهد

در شهرستانها چه می‌گذرد...؟



شیراز:

روز ۲/۴ کارمندان نوبت کار پالایشگاه برای کسب خواسته‌های صنفی - سیاسی خود اعتراض کرده و دست به اعتصاب می‌زنند و چون مسئولین پاسخی بد آن‌ها نمی‌دهند، این اعتصاب با روز ۲/۶ ادامه یافته و اوج بیشتری می‌گیرد. به طوری که در این روز، چهار شیفت (A - B - C - D) که جمعاً ۸۰ نفر می‌شوند به اعتصابیون پیوستند. خواسته‌های اعتصابیون شامل: انحلال انجمن اسلامی (وابسته به حزب جماعت‌دار جمهوری) - آزادی نمایندگان کارکنان مناطق جنگ زده در نهران و اصفهان - تحدید نظر در امور پاکسازی زیر نظر شوراها - حاکمیت شوراها در کلیه مسائل و قانونی شمردن آن - انحلال بازرسی کل صنعت نفت که به شیوه‌ی ساواک مرحله بوجود آمده است...

در همین رابطه روز ۲/۶ نشست مجمع عمومی کارکنان پالایشگاه با حضور نمایندگان دعوت شده و ۸۰ نفر از اعضا تشکیل شد. بعد از ۳ ساعت شور در مورد مسائل مختلف، قطعنامه‌ی شامل خواسته‌های صنفی - سیاسی آن‌ها با اکثریت آراء به تصویب رسید. بعد از آن شورای کارکنان برای کسب تمام خواسته‌ها در روز مهلت تعیین کرده و اعتصاب کارکنان تا پایان مدت ده روز خانمد می‌یابد.

"دین بین فو" اعجاز ارتش خلق

"از نقطه نظر نظامی، نبرد رهایی بخش خلق ویتنام نشان داد که یک ارتش خلق که تجهیزات و مهمات ناکافی دارد ولی برای امر عادلانه‌ی مبارزه می‌کند و استراتژی و تاکتیک صحیحی به کار می‌برد عملاً در موقعیتی قرار دارد که بر ارتش مدرن امپریالیست‌های متجاوز پیروز شود..." (جی‌آپ) بقیه در صفحه ۲۵

تلگرام خانم صفیه بزی وکیل انقلابی الجزایری در مورد شهادت دو خواهر مجاهد در شمال و تنها جم‌اخیر به تظاهرات مادران مسلمان در تهران

آقای رئیس جمهوری صدر:

در ظلیعه‌ی پیروزی انقلاب عظیم خلق ایران قلب‌های نامی مردان و زنان انقلابی از امید به حقوق آرمان‌های این خلق لبریز بود. اما هر روز خبرهای نگران کننده‌تری از سرنوشت جامعه می‌رسد. آقای رئیس جمهور همان طور که اطلاع دارید در ۲۱ آوریل به دنبال حملات باند‌های مسلح در شهرهای شمال دو دختر دیگر از هواداران مجاهدین خلق به شهادت رسیدند و تعداد زیادی نیز به ضرب گلوله زخمی شدند. هم‌چنین در تظاهرات جمعیت مادران مسلمان نیز تظاهرکنندگان از حملات متجاوزین درامان نامانند. از آنجا که خود را دوست انقلاب دانسد و هم‌چنین بد عنوان یک زن انقلابی الجزایری به من اجازه بدهید از شما بخواهم از قدرت و امکانات خویش استفاده کرده و در مورد عاملین و آمرین این حملات وحشیانه که کوچکترین حرمتی برای معیارهای انسانی و به خصوص مقام زن فائل نمی‌باشند، اقدام فرمائید. صفیه بزی

اول ماه مه ۱۹۸۱

اعتراضات گسترده احزاب، گروه‌ها و شخصیت‌های مترقی داخلی و بین‌المللی علیه حملات وحشیانه جماعت‌داران و ایدای مسلح ارتجاع به مردم قهرمان شهرها و گسترار مجاهدین

در صفحات ۱۳ - ۲۰ - ۲۱ - ۳۰

توضیح:

همان‌گونه که در شماره‌ی گذشته توضیح دادیم، به علت تراکم بیش از اندازه‌ی مطالب موفق به درج بسیاری از مقالات نشدیم، تعدادی از این مقالات را به علت اهمیت آن‌ها، در این شماره می‌آوریم این مقالات عبارتند از:

- دنباله‌ی مقالات ایدئولوژی (شماره ۱۸) بررسی یک دیدگاه (۱)
- قرارداد ۲۰ میلیارد تومانی حضرات با انگلیس
- بهزاد نبوی واسطه‌ی امپریالیست‌ها، دشمن مجاهدین
- تروریسم سیاه ارتجاع در مقابل دانشگاه و قربانی گرفت
- "زندان" جایی که شکنجه‌گران خواستار "بحث آزاد" می‌شوند!
- نامه‌ی مجاهدین خلق ایران به آقای مهدوی کنی در رابطه با مصاحبه‌ی ایشان پیرامون نحوه‌ی موضع‌گیری گروه‌های سیاسی نسبت به اعلامیه ۱۰ ماده‌ای "دادستان انقلاب"

در ضمن یادآوری می‌کنیم که: قسمی از مقاله‌ی قرارداد... در شماره‌ی قبل درج شده بود. همان‌گونه که تذکر دادیم این مقاله جزو مقالات حذف شده بود و قسمت مذکور اشتباه باقی مانده بود که به این وسیله ضمن توضیح پوزش می‌طلبیم.

اشتباه دیگری در شماره‌ی قبل وجود داشت که مربوط به نام گوینده‌ی شعر انتقام خلق بود. نام گوینده‌ی این شعر را ما اشتباه اسماعیل یغمائی ذکر کرده بودیم در حالی که گوینده‌ی آن یکی دیگر از برادران بود که به این وسیله از خوانندگان گرامی پوزش می‌طلبیم.